

طبقه بندی مشترک ضرب المثل های فارسی، عربی و انگلیسی

مهدی ناصری

دانش جوی دکتری زبان و ادبیات عرب دانشگاه علامه طباطبایی

مقدمه

از آن جا که امثال و حکم یا ضرب المثل های هر ملت، بخش مهمی از ادبیات آن ملت و برآمده از آداب و راه و رسم زندگی مردم است، در آغاز به تعریف ادبیات فولکور می پردازیم. واژه ی فولکور که از آغاز قرن ۱۹ میلادی در محافل ادبی اروپا سربر آورده، از دو بخش فولک (Folk) به معنای مردم و لور (Lore) به معنای دانش تشکیل یافته و مفهوم کلی آن، «فرهنگ مردم» و یا «فرهنگ عامه» است. در این میان، ضرب المثل ها یکی از پایه های اصلی ادبیات فولکور به شمار می آیند، زیرا در بردارنده ی آداب و رسوم اجدادی و معتقدات و حتی افسانه های پیشینیانند؛ از این رو، ضرب المثل های یک زبان، یکی از بهترین راه های شناخت فرهنگ یک ملت و در نتیجه وسیله ی مناسبی برای شناخت آن مردم است. مثل در لغت به معنای: مانند، شبیه، همتا، افسانه، حکمت و پند و اندرز است و در اصطلاح، آوردن سخنی حکیمانه است در شعر و نثر که در تفهیم کلام و استحکام بنیه ی آن تأثیری شگرف دارد. استاد «بهمنیار» در مورد مثل، این چنین گفته است: «مثل،

جمله‌ایست مختصر، مشتمل بر تشبیه یا مضمون حکیمانه که به واسطه‌ی روانی الفاظ، روشنی معنی و لطافت ترکیب، بین عامه مشهور شده و یا آن را بدون تفسیر یا با تغییر جزئی در محاورات خود به‌کار برند»^۱.

آفرینندگان ضرب‌المثل

در میان هیچ ملتی آفرینندگان و سازندگان اصلی و نخستین غالب ضرب‌المثل‌ها شناخته شده نیستند؛ زیرا ضرب‌المثل‌ها بخشی از ادبیات عامه و برخاسته از رفتار، کردار، گفتار و عادات مردم کوچه و بازار است. بر این اساس، ضرب‌المثل‌ها را بایست پژوهاک اندیشه و بینش گذشتگان هر ملت دانست که سینه به سینه و نسل به نسل به ما رسیده و خالقان و آفرینندگان اصلی و نخستین آنها ناشناخته‌اند. البته باید توجه داشت که شاعران، نویسندگان، پیشوایان مذهبی و رهبران سیاسی و هم‌چنین کتاب‌های مقدس نیز نقش به‌سزایی در آفرینش این‌گونه از ادبیات داشته‌اند. برای نمونه باید گفت بسیاری از ضرب‌المثل‌های فارسی، برگرفته از آثار رودکی، فردوسی، مولوی، سعدی و حافظند. در زبان عربی نیز بسیاری از ضرب‌المثل‌ها برآمده از اشعار شاعران بزرگی چون: «متنبی»، «ابوالعلاء المعری» و «احمد شوقی» هستند و بسیاری از ضرب‌المثل‌های انگلیسی نیز برخاسته از آثار شکسپیر و هم‌چنین برآمده از کتاب مقدس است.

طبقه‌بندی ضرب‌المثل‌ها

مهم‌ترین هدف این مقاله، طبقه‌بندی و دسته‌بندی ضرب‌المثل‌های سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی است. این طبقه‌بندی را بر اساس سه عامل انجام می‌دهیم: ۱- از لحاظ محتوایی؛ ۲- بر اساس اشتراک لفظی و معنایی؛ ۳- از نظر کاربردی.

طبقه‌بندی محتوایی ضرب‌المثل‌ها

ضرب‌المثل‌ها از جهت محتوا و درون‌مایه در هر زبانی، گونه‌های مختلفی دارند. ضرب‌المثل‌های فارسی را می‌توانیم از لحاظ محتوا به گونه‌های زیر تقسیم کنیم:

۱- مثل، یا جمله‌ای مثلی: جمله‌ای است زبان‌زد گروهی از مردم که گوینده، یا سازنده‌ی اصلی آن ناشناخته است:

«در همیشه روی یک پاشنه نمی‌گردد»؛

«سری که درد نمی‌کند را دستمال نمی‌بندند»؛

«تنها به قاضی رفته، خوشحال برمی‌گردد».

۱- بهمنیار، احمد؛ «داستان‌نامه‌ی بهمنیاری»، به کوشش فریدون بهمنیار، دانشگاه تهران، ۱۳۶۹.

۲ - تمثیل: ضرب المثل‌ی است قصه دار که در میان مردم رایج شده و در مواردی حکایت یا داستان آن فراموش شده است:

«یک بار جستی ملخک، دوبار جستی ملخک، آخر تو مشتی ملخک»؛ «خرما از کرگی دم نداشت»؛ «علی ماند و حوضش».^۲

۳ - جمله‌ی قصار: مضمون یا پندی است زبان زد گروهی از مردم که گوینده و سازنده‌ی نخستین آن شناخته شده است:

«توانا بود هر که دانا بود» (فردوسی)؛

«ماهی از سرگنده گردد؛ نی ز دم» (مولوی)؛

«مشک، آن است که ببوید؛ نه آنکه عطار بگوید» (سعدی).

۴ - کلیشه: ترکیب و ساخت ویژه‌ای از واژگان است که با واژه‌های دیگر تکمیل می‌شود:

«دری به تخته خورد و...»؛

«اگر ریگی به کفشت نیست...»؛

«نونت نبود آبت نبود... چی بود؟».

طبقه بندی محتوایی ضرب المثل های عربی:

چنانکه ملاحظه شد ضرب المثل های فارسی به چهار گونه طبقه بندی شدند؛ اکنون به تقسیم بندی ضرب المثل های عربی می پردازیم. «قطامش»^۳ در کتابش ضرب المثل های عربی را به سه دسته تقسیم می کند:

۱ - ضرب المثل های کوتاه: جمله ای است کوتاه و نغز و شیواکه از گنجینه ی خرد و تجارب مردم برآمده و بر واقعیت ها و اصول بدیهی زندگی تکیه دارد:

۱. «الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرَجِ»^۴:

«صبر کلید پیروزی است»؛

۲. «الْصَّدَقُ مَنْجَاةٌ»^۵:

«راستی، رستی».

۲ - ضرب المثل های قیاسی: اظهار پند و اندرزی است همراه با استدلال و برهان:

۲ - برتوی آملی، مهدی: «ریشه های تاریخی امثال و حکم»، تهران: انتشارات کتاب خانه ی سلیبی، ۱۳۶۵. (دو جلد).

۳ - القطامش، عبدالمجید: «الامثال العربية دراسة و تحلیلاً»، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۹۹۸، ص ۴۵.

۴ - حلالی، کمال: معجم کتوز الامثال والحکم العربية، مکتبة لبنان ناشرون، الطبعة الاولى، ۱۹۹۸، ص ۱۰۰.

۵ - همان، ص ۲۲۷.

«مَثَلٌ جَلِيسِ السَّوِّءِ كَالْقَيْنِ اِنْ لَمْ يُحْرِقْ ثَوْبَكَ دَخَنَهُ»^۶؛

«در گذر از کوره‌ی آهن‌گران کآتش و دودی رسد از هر کران» (سعدی).

۳ - ضرب‌المثل‌های خرافی: این گونه از ضرب‌المثل‌ها از زبان حیوانات، یا از افسانه‌های

کهن نقل شده‌اند:

«ذَهَبَ الحِمَارُ يَطْلُبُ قَرْنَيْنِ، فَعَادَ مَصْلُومَ الأُذُنَيْنِ»^۷؛

«مسکین خرک آرزوی دم کرد نیافتد دم دو گوش گم کرد».

طبقه‌بندی محتوایی ضرب‌المثل‌های انگلیسی

ضرب‌المثل‌های انگلیسی به گونه‌های زیر تقسیم می‌شوند:

1) **Adage** (اندرز، حکایت پندآمیز):

A well - known phrase expressing a general truth about people or the world.^۸

For example "Honesty is the best policy"^۹ (صداقت، بهترین رویه است).

2) **Aphorism** (کلمات قصار):

A short phrase that says sth true or wise. For example "Genius is one percent inspiration, ninety nine percent perspiration" "Thomas Alva Edison" (یک درصد نبوغ الهام و نود و نه درصدش عرق ریختن است) «توماس ادیسون».

3) **Axiom** (اصل بدیهی، واقعیت، راستین واژه):

A rule or principle that most people believe to be true. For example "It's an axiom that no ome is infallible"^{۱۱} (بشر، جایز الخطاست).

4) **Maxim** (پند حکیمانه، سخن خردمندانه، شعار):

A well-known phrase that expresses sth that is usually true or that people think is a rule for sensible behavior. For example "Tomorrow is another day"^{۱۲} (فردا هم روز خداست).

۶ - الطرابلسی، الأحدث: فرائد اللآل کتبخانه‌ی اسلامی، تهران، بدون تاریخ، ص ۱۱۴: ۱.

۷ - المیدانی، أبو الفضل: مجمع الأمثال، فهرسة الدكتور قصی الحسین (دارو مکتبة الهلال، بیروت، ۲۰۰۳، ص: ۳۱۳).

۸ - ترجمه‌ی گونه‌های مختلف ضرب‌المثل‌های انگلیسی برگرفته از کتاب Oxford Advanced Learner's است که در سال ۲۰۰۲ ویراست شده است.

9 - Mieder, wolfgang and stewart A. Kingsbury and kelsie B. Harder. A dictionary of American proverbs. NY:

Oxford university press, 1992. P.305

۱۰ - همان، ص ۲۴۹.

۱۱ - همان، ص ۲۳۰.

۱۲ - همان، ص ۶۰۳.

5) Proverb (ضرب المثل، مثل زبان زد):

A well-known phrase or sentence that gives advice or says sth that is generally true. For example "A Friend in need is a friend indeed"^{۱۳}

(دوست آن است که گیرد دست دوست در پریشان حالی و درماندگی «سعدی»)

6) Saying (ضرب المثل، حکایت پند آمیز، مثل):

A well-known phrase or statement that expresses sth about life that most people believe is wise and true. For example "Accidents will happen"^{۱۴} (باقضا کارزار توان کرد).

طبقه بندی مشترک ضرب المثل های سه زبان

چنان که ملاحظه شد، ضرب المثل های سه زبان از جهت محتوا به دسته های متفاوتی تقسیم شدند؛ اکنون پس از تقسیم بندی جداگانه، آنها را مشترکاً طبقه بندی می کنیم. ضرب المثل های سه زبان را از جهت محتوا می توانیم به دو گونه طبقه بندی نماییم.

۱ - ضرب المثل و جمله ی مثلی؛ ۲ - حکمت.

ضرب المثل و جمله ی مثلی: جمله ای است زبان زد گروهی از مردم است شامل پند و اندرز که گوینده ی اصلی آن شناخته شده، یا ناشناخته است.

این نوع از ضرب المثل ها در زبان فارسی، شامل: مثل و جمله ی مثلی و تمثیل است. در زبان عربی، شامل ضرب المثل های قیاسی و خرافی و هم چنین ضرب المثل هایی که از زبان نویسندگان و شاعران بر جای مانده است، می شود و در زبان انگلیسی نیز شامل موارد زیر است:

1) Proverb;

2) Saying;

3) Aphorism.

حکمت: جمله ای است که بیان کننده ی اصول بدیهی و اولیه ی زندگی است و واقعیت ها و اصول متعارف زندگی را در قالب زبانی شیوا بیان می کند.

غالب جملات قصار را در زبان فارسی و عربی می توانیم از این نوع ضرب المثل ها بدانیم. در زبان انگلیسی نیز موارد زیر را شامل می شود.

1) Axiom;

2) Adage;

- 3) Maxim;
4) Aphorism.

طبقه بندی ضرب المثل‌ها بر اساس اشتراک لفظی و معنایی

بر این اساس، ضرب المثل‌ها بر دو گونه تقسیم می‌شوند:

۱ - اشتراک معنایی؛ ۲ - اشتراک لفظی و معنایی.

اشتراک معنایی: ضرب المثل‌هایی را گویند که نوع بیان و ساختار آنها در دو یا چند زبان متفاوت؛

ولی درون‌مایه و پیام اصلی آنها یک‌سان است.

در بیان علت پیدایش ضرب المثل مشترک میان زبان‌های مختلف، باید بگوییم که ضرب المثل، نتیجه‌ی تجارب توده‌های انسانی است که نسل به نسل و سینه به سینه و در بستر تاریخ بشری شکل گرفته است. از این رو، با توجه به این پویایی، ضرب المثل‌ها حد و مرز جغرافیایی نمی‌شناسند تا بدان پایه که صبغه‌ی جهانی به خود می‌گیرند. از میان ضرب المثل‌هایی که در سه زبان فارسی، عربی، انگلیسی، اشتراک معنایی دارند، به مورد زیر اشاره می‌کنیم:

«پز عالی، جیب خالی»؛

«بَطْنُ خَاوٍ وَ لِبَاسٌ زَاهٍ»؛^{۱۵}

«Great boast, small roast.»^{۱۶}

همان‌طور که در مثال بالا می‌بینیم، ساختار واژگان در سه زبان، متفاوت؛ ولی پیام اصلی و درون‌مایه‌ی ضرب المثل، یک‌سان است. در این جا ذکر یک نکته لازم است و آن این که بیشتر ضرب المثل‌های مشترک میان این سه زبان، از نوع اشتراک معنایی است.

اشتراک لفظی و معنایی: در ضرب المثل‌هایی است که معنا و مضمون یک‌سانی دارند و حتی در الگو و ساختار جمله نیز با یک‌دیگر تفاوتی ندارند. از این‌گونه ضرب المثل‌ها در زبان فارسی، موارد زیادی را می‌بینیم که به اصطلاح، به آن‌ها «ضرب المثل‌های فرنگی» می‌گویند. البته باید توجه داشت که این‌گونه ضرب المثل‌ها در زبان فارسی، کاملاً جا افتاده و شناس نامه‌ی ایرانی گرفته‌اند. از جمله‌ی این ضرب المثل‌ها به موارد زیر اشاره می‌کنیم:

۱ - «احتیاج، مادر اختراع است»؛

«الْحَاجَةُ أُمُّ الْاِخْتِرَاعِ»^{۱۷}؛

۱۵ - المیدانی، (۲۰۰۳) ص: ۲۱۷.

۱۸. «Necessarity is the mother of invention.»

۲ - «تفرقه بینداز و حکومت کن»:

«فَرَّقْ تَسُدَّ»^{۱۸}:

۲. «Divide and rule.»

۳ - «هدف وسیله را توجیه می‌کند»:

«الغایة تُبَرِّرُ الوسیلة»^{۲۱}.

۲. «The end justifies the means.»

همان طوری که در مثال‌های یاد شده ملاحظه می‌شود، ضرب‌المثل‌های سه زبان در شکل، واژگان و محتوای خود اشتراک دارند.

بیشترین اشتراک لفظی و معنایی ضرب‌المثل‌های فارسی، با زبان عربی است، زیرا بسیاری از ضرب‌المثل‌های مشهور فارسی، برخاسته از قرآن و احادیث نبوی هستند. از جمله‌ی این ضرب‌المثل‌ها به مورد زیر اشاره می‌کنیم:

بنی آدم اعضای یک پیکرند	که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار	دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی‌غمی	نشاید که نامت نهند آدمی (سعدی)

در حقیقت، باید گفت که سعدی، این ابیات شیوا و رسا را از حدیث نبوی زیربرگرفته است: «مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادُّهِمْ وَ تَرَاحُمِهِمْ وَ تَعَاطُفِهِمْ كَمَثَلِ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ عَضْوٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالسَّهْرِ وَ الْحُمَى»^{۲۳}.

ترجمه‌ی فارسی: «مثل مؤمنان در دوستی با یک‌دیگر و رحم کردن و مهربانی کردن به هم، مانند تن انسان است که اگر عضوی از آن بیمار شود، سایر اعضای تن دچار شب بیداری و تب می‌شوند».

در ادامه باید گفت که ضرب‌المثل‌های زیادی نیز از فارسی به زبان‌های دیگر وارد شده است که از جمله‌ی این ضرب‌المثل‌ها نمونه‌ی زیر را ذکر می‌کنیم:

18 _ Mieder, , wolfgang.1992.P.425

۱۹ - الکلیانی، تیسیر؛ معجم الأمثال المقارنة، مكتبة لبنان، الطبعة الأولى، ۱۹۹۱، ص ۵۶.

۲۰ - همان، ص ۵۶.

۲۱ - همان، ص ۶۹.

۲۲ - همان، ص ۶۹.

۲۳ - دهخدا، علی اکبر؛ امثال و حکم، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۱، (دورری ۲ جلدی) ص: ۴۶۹.

«ماهی از سرگنده گردد نی زدم» (مولوی):

«تَفْسِدُ السَّمَكَةُ مِنْ رَأْسِهَا»:

«Fish begins to stink at the head.»^{۲۴}

در پایان این بحث باید بگویم نمونه‌های بسیاری از ضرب‌المثل‌های مشترک لفظی و معنایی میان این سه زبان و به ویژه میان زبان‌های فارسی و عربی وجود دارد که این خود بیانگر ارتباطات و پیوندهای ریشه‌دار و ناگسستگی میان این زبان‌هاست؛ از این رو ذکر این نکته لازم به نظر می‌رسد که نمونه‌های یاد شده در این مقاله، تنها قطره‌ای از اقیانوس بی‌کران ضرب‌المثل‌های مشترک میان این سه زبان به شمار می‌آید.

طبقه بندی کاربردی ضرب‌المثل‌ها

ضرب‌المثل‌ها از جهت کاربرد به دو گونه‌ی نوشتاری و گفتاری و یا به تعبیر دیگر، رسمی و عامیانه تقسیم می‌شوند. ضرب‌المثل‌های نوشتاری و یا رسمی، در واقع، همان ضرب‌المثل‌های ملیند که در تمام نقاط یک کشور به یک شکل به کار می‌روند. ضرب‌المثل‌های گفتاری و یا عامیانه - همان‌طور که از نامش پیداست - ویژه‌ی یک منطقه‌ی مشخص است؛ یا تنها در زبان روزمره و عامیانه استفاده می‌شود. از جمله ضرب‌المثل‌های رسمی و نوشتاری در میان سه زبان به مورد زیر اشاره می‌کنیم:

«صورت زیبای ظاهر هیچ نیست ای برادر سیرت زیبا بیار»:

«المرء بآدابه لا یتباه»^{۲۵}.

«Beauty is only skin _ deep»^{۲۶}.

در این جا ذکر یک نکته لازم به نظر می‌رسد و آن این‌که ضرب‌المثل‌های عامیانه و گفتاری فارسی و انگلیسی، تفاوت فاحشی با ضرب‌المثل‌های نوشتاری و رسمی آن ندارد؛ در حالی که ضرب‌المثل‌های نوشتاری و رسمی زبان عربی با ضرب‌المثل‌های گفتاری و عامیانه‌ی آن تفاوت چشم‌گیری دارند و شاید بتوان گفت که این اختلاف فاحش به فاصله‌ی بسیار زیاد زبان عربی فصیح با لهجه‌های عامیانه‌ی آن برمی‌گردد. از جمله ضرب‌المثل‌های عامیانه‌ی فارسی، نمونه‌های زیر را ذکر می‌کنیم:

«قربون بند کیفیتم؛ تا پول داری رفیقتم»؛

«زعفران نخورده، لباس زرد شده (خراسانی)»؛

«فرمان خدا و لطف بنده، «کلنجار» آمده ترمه ببنده (شیرازی)».

همان‌طور که گفتیم، اختلاف ضرب‌المثل‌های عامیانه و رسمی زبان عربی، بسیار چشم‌گیر است. از

24 _ Mieder, , wolfgang.1992.P212.

۲۵ - الکیلانی، تیسیر، (۱۹۹۱) ص ۱۷.

۲۶ - همان، ص ۱۷.

جمله ضرب المثل های عامیانه ی عربی:

زبان فصیح عربی: «عصفور فی الید و لا عشره علی الشجرة»؛

ترجمه ی فارسی: «یک گنجشک در دست، بهتر از ده گنجشک روی درخت است»؛

عراق: «عصفور بالاید و لا عشره عالشجرة»؛

اردن: «عصفور بالاید و لا عشره طایرات»؛

تونس: «عصفور فی الید و لا عشره فوق السطح»؛

فلسطین: «عصفور فی ایدک و لاحمامه فی اید غیرک»؛

امارات: «طیر فی الید احسن من عشره فوق الشجرة»؛

مصر: «عصفورۃ فی الید و لا عشره فی السجر»؛

سودان: «جرادة فی الکف و لا ألف طائرة».^{۲۷}

چنان که ملاحظه شد، یک ضرب المثل رسمی و فصیح عربی، گونه های مختلفی در لهجه های عامیانه دارد و این امر باعث تفاوت میان ضرب المثل های عامیانه و فصیح می شود؛ در حالی که این تفاوت در ضرب المثل های انگلیسی دیده نمی شود؛ زیرا ضرب المثل های انگلیسی، همگی رسمی و نوشتارینند و به طور کلی، ضرب المثل ها در این زبان، ویژه ی متون ادبی است و قشر فرهیخته و تحصیل کرده آن ها را استفاده می کنند و به همین لحاظ، ضرب المثل های انگلیسی را در زبان غیر رسمی و رسمی، یک سان به کار می برند.

ضرب المثل های نو

نکته ی پایانی حایز اهمیت در مورد ضرب المثل های سه زبان، این است که ضرب المثل های هر زبان، پویا و در تکاپو و تکامل هستند؛ از این رو همواره ضرب المثل های نویی به زبان اضافه می شوند؛ از جمله ضرب المثل های جدید فارسی:

«هوا بس ناجوانمردانه سرد است. (مهدی اخوان ثالث)»؛

«پرواز را به خاطر بسپار، پرنده مردنی است (فروغ فرخزاد)»؛

«چشمها را باید شست، جور دیگر باید دید (سهراب سپهری)».

از جمله ضرب المثل های جدید عربی و انگلیسی به موارد زیر اشاره می کنیم:

«الطاعةُ اولى واجبات الجندی»^{۲۸}؛

۲۷ - انکریتی، عبدالرحمن: دراسات فی المثل العربی المقارن، معهد البحوث والدراسات العربیة، ص ۲۲۲.

۲۸ - الکیلانی، تیسیر، (۱۹۹۱)، ص ۲۵۸.

«ارتش چرا ندارد»؛

«التاریخ یُعیدُ نفسَه»^{۲۹}؛

«تاریخ تکرار می‌شود»؛

«لا تَضَعِ العَرَبِیَّةَ أَمَامَ الحِصَانِ»^{۳۰}؛

کاری را جلوی اسب نگذار (سوراخ دعا را گم کردن)»؛

۱ _ «Don't count your new cars before they're built»^{۳۱}:

ترجمه فارسی: «پیش از آنکه ماشین‌هایت ساخته شوند، آن‌ها را بشمار. (جوجه را آخر پاییز می‌شمارند)».

نکته‌ی قابل توجه در مورد این ضرب‌المثل انگلیسی، آن است که صورت جدیدی از ضرب‌المثل قدیمی ترو معروف زیر است:

«Don't count your chicken before they are hatched»^{۳۲}:

ترجمه فارسی: «جوجه‌هایت را پیش از آنکه از تخم درآیند بشمار».

در پایان یادآوری می‌کنم که این گونه ضرب‌المثل‌ها در زبان فارسی، عربی و انگلیسی فراوان است و ما در این گفتار، تنها به مشتق از خروار اشاره کردیم.

نتیجه‌گیری

در این مقاله به سه موضوع پرداخته شد. در بخش اول، ضرب‌المثل‌های سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی از جهت محتوا به صورت جداگانه تقسیم‌بندی شد و سپس طبقه‌بندی مشترکی در قالب: ۱ - مثل و جمله‌ی مثلی ۲ - حکمت، برای آن‌ها مطرح گردید. در بخش دوم، ضرب‌المثل‌های سه زبان از جهت اشتراک لفظی و معنوی بررسی شد و به این نتیجه رسیدیم که بیشترین اشتراک لفظی و معنوی ضرب‌المثل‌ها در میان دو زبان فارسی و عربی است. در بخش سوم نیز ضرب‌المثل‌های سه زبان را از لحاظ کاربرد به دو گونه‌ی گفتاری (عامیانه) و نوشتاری (رسمی) طبقه‌بندی کردیم و دریافتیم که ضرب‌المثل‌های فارسی و انگلیسی گفتاری و نوشتاری، تفاوت چشم‌گیری با هم ندارند؛ ولی ضرب‌المثل‌های عربی از این جهت، تفاوت بسیار فاحشی با یکدیگر دارند.

۲۹ - همان، ص ۱۵۹.

۳۰ - همان، ص ۱۸۲.

31 _ Mieder, , wolfgang.1992.P.X.

۳۲ - همان، ص ۱۱۹.